

اعتبارسنجی «مقبوله» ربن حنظله» با بررسی کاربردی «تقسیم‌بندی و تعریف احادیث» از دیدگاه متقدمین و متأخرین

سید امد مرتضایی^۱
محمد حسین میری^۲

چکیده

مهم‌ترین حدیث برای اثبات ولایت فقیه، «مقبوله عمر بن حنظله» از امام صادق (ع) است؛ اعتبارسنجی این حدیث به دلیل اهمیت و جایگاه آن در مشروعیت نظام ولایت فقیه و نظام‌سازی فقهی ضرورت دارد. یکی از راهکارهای اعتبارسنجی احادیث، بررسی «تقسیم‌بندی و تعریف احادیث» از دیدگاه متقدمین و متأخرین است. هدف از این پژوهش تبیین و ارزیابی این دو دیدگاه، و تعیین جایگاه و میزان اعتبار حدیث عمر بن حنظله به عنوان مبنای مشروعیت نظام ولایت فقیه و نظام‌سازی فقهی است. براساس یافته‌های این تحقیق که با شیوه توصیفی تحلیلی سامان یافته است: ۱. سه تقسیم‌بندی کلی از احادیث وجود دارد: تقسیم‌بندی مشترک (متواتر و غیرمتواتر؛ یا متواتر و واحد)؛ تقسیم‌بندی متقدمین (صحیح و غیرصحیح)؛ تقسیم‌بندی متأخرین (صحیح، حسن، موثق و ضعیف) ۲. معیار صحت حدیث، از دیدگاه متقدمین «اعتماد به حدیث و اطمینان به صدور آن از معصوم (ع)»؛ ولی از دیدگاه متأخرین «امامی و عادل بودن تمام روایات حدیث» است؛ ۳. دیدگاه متأخرین ایرادات مهمی دارد، به طور مثال مبتنی بر اعتقاد عامه و مأخوذ از کتب آنان است، موجب تضعیف اکثر احادیث می‌شود؛ بنابراین، نظریه مختار، اثبات دیدگاه متقدمین و اعتبار اکثر احادیث است. ۴. حدیث عمر بن حنظله از دیدگاه متقدمین حدیثی صحیح، متواتر یا مثل متواتر است و از دیدگاه برخی از متأخرین و بسیاری از علمای بعد از آنان تا معاصرین، مقترن به قرینه و معتبر است.

واژگان کلیدی: تقسیم‌بندی احادیث، تعریف احادیث، متقدمین، متأخرین، مقبوله عمر بن حنظله، ولایت فقیه و نظام‌سازی فقهی.

۱. دانش آموخته و پژوهشگر حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد حقوق عمومی (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۳ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۳



مقدمه

در صدر موضوعات فقه نظام‌ساز شیعه، نظام ولایت فقیه است و این نظام از جهات متعددی اهمیت دارد؛ یکی اینکه ولایت فقیه یک نظام و راهکار برای مدیریت و رهبری جامعه است و دیگری اینکه مشروعیت و قوام سایر نظام‌ها به ولایت فقیه است؛ به بیان دیگر ولایت فقیه یکی از مبانی مشروعیت نظام‌سازی و نیز اعمال هر نظام در زمان غیبت است؛ بنابراین تبیین ادله ولایت فقیه ضرورت و نیز اولویت دارد. برای اثبات ولایت فقیه به احادیث متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه علیهم‌السلام استناد و استدلال شده است. مهم‌ترین حدیثی که برای اثبات ولایت فقیه به آن استناد شده، حدیث معروف به «مقبوله عمر بن حنظله» از امام صادق (ع) است. در این حدیث مفصل و طولانی، افزون بر ولایت فقیه، موضوعات متعددی بیان شده است، بنابراین کاربردهای متفاوتی دارد. عالمان بزرگی به اهمیت و کاربرد فراوان و جایگاه ویژه و منحصر به فرد این حدیث در فقه و تفقه تصریح و تأکید کرده‌اند که در اینجا دیدگاه برخی از آنان نقل می‌شود:

هید ثانی (ره): «اصحاب مقبوله عمر بن حنظله را اصل و اساس تفقه قرار دادند و همه شرایط تفقه را از آن استنباط کردند» (شهادت‌نامه، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۳۱)

میرداماد (ره): «مقبوله عمر بن حنظله از دیدگاه اصحاب ما، اصل در استنباط احکام اجتهاد و منصوب بودن مجتهد عارف به احکام از طرف معصومان علیهم‌السلام است» (میرداماد، ۱۳۱۱ ق، ص ۱۶۴)

مجلسی اول (ره): «مقبوله عمر بن حنظله در فتوا و حکم برای علما محور است» (جلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۲۰)

استرآبادی (ره): «اصحاب مقبوله عمر بن حنظله را اصل و اساس ادله تفقه قرار دادند» (استرآبادی، ۱۳۸۸ ش، ص ۷۵)

محدث نوری (ره): «مقبوله عمر بن حنظله از دیدگاه اصحاب تبدیل به اصلی در؛ بسیاری از احکام اجتهاد، در منصوب بودن مجتهد عارف به احکام از طرف معصومان علیهم‌السلام، در برخی از مسائل قضا و در بسیاری از مطالب متعلق به



باب تعادل شده است» (نوری، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۴۴)

بنابراین اعتبارسنجی این حدیث، به دلیل اهمیت و جایگاه آن و نقشی که در نظام‌سازی و شیوه حکمرانی در زمان غیبت دارد، ضروری است. یکی از راهکارهای تعیین‌کننده در اعتبارسنجی احادیث، بررسی «تقسیم‌بندی و تعریف احادیث» از دیدگاه متقدمین و متأخرین است؛ بنابراین بررسی و ارزیابی این دو دیدگاه ضروری است تا اولاً دیدگاه صحیح درباره اعتبار احادیث تعیین و ثانیاً جایگاه و میزان اعتبار حدیث مقبوله عمر بن حنظله مشخص شود.

پیشینه تحقیق

این تحقیق از نظر محتوایی (و نه ساختاری) سه موضوع دارد:

۱. موضوع اول، علوم حدیث و به‌طور خاص «تقسیم‌بندی و تعریف احادیث» است که در ضمن برخی از کتب رجالی و اصولی بررسی شده است؛ مانند «العدة في أصول الفقه» و «استبصار» شیخ طوسی؛ «ذکری اشیعة في أکام الشريعة» شهید اول؛ «الرعاية في علم الدراية» و «الدراية» شهید ثانی؛ «معالم الدین» ابن شهید ثانی؛ «اوجيزة في علم الدراية» و «مشرق الشمسين» شیخ بهائی؛ «الفوائد امدنية» استرآبادی؛ «خاتمة المستدرک» محدث نوری؛ «اصول الفقه» مظفر؛ ولی تقسیم‌بندی و تعریف احادیث در هیچ کتابی به‌طور مستقل و جامع بررسی نشده است.

۲. موضوع دوم، ولایت فقیه است که در ضمن برخی کتب فقهی و یا به‌طور مستقل بررسی شده است؛ مانند «مکاسب» شیخ انصاری؛ «ولایت فقیه و حکومت اسلامی» امام خمینی؛ «ولایت فقیه در حکومت اسلام» علامه سیدمحمدحسین تهرانی؛ «حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه» آیت‌الله موسوی خلخالی؛ ولی ادله ولایت فقیه مخصوصاً ادله روایی آن، به‌ویژه حدیث مقبوله عمر بن حنظله در هیچ کتابی به‌طور مستقل و جامع بررسی نشده است.

۳. موضوع سوم، بررسی جامع و کاربردی دیدگاه متقدمین و متأخرین درباره



«تقسیم‌بندی و تعریف احادیث» و نقش آن در اعتبارسنجی حدیث مقبوله عمر بن حنظله است که در هیچ کتاب یا مقاله‌ای بررسی نشده و بدون پیشینه است و یک نوآوری در این موضوع محسوب می‌شود.

در پایان این مقدمه، مفهوم‌شناسی اصطلاح «متقدمین» و «متأخرین» به دلیل اهمیت آن در این نوشتار به‌طور خلاصه بیان می‌شود:

ادوار فقهی و فقهای شیعه از جهات متعددی تقسیم‌بندی شده‌اند؛ ولی از یک نگاه کلی، به دو دوره متقدمین (قدما) و متأخرین تقسیم می‌شوند.

صر متقدمین را برخی، از عصر معصومان علیهم‌السلام و شامل فقهای معاصر آن حضرات می‌دانند؛ ولی قدر متیقن عصر متقدمین، از آغاز غیبت کبری (۳۲۹ق) تا زمان محقق حلی (متوفای ۶۷۶ق) است. (رک: محدث نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۴۹؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۵۰۷؛ جناتی، ۱۳۷۴ش، ص ۳۰۱؛ ربانی، ۱۳۸۰، ص ۱۰)

صر متأخرین از زمان علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق) یا استاد ایشان سید جمال‌الدین احمد بن موسی ابن طاووس حلی (ره) معروف به سید احمد بن طاووس حلی و ملقب به ابن طاووس (متوفای ۶۷۳ق) شروع می‌شود و بنابر نظر برخی تا زمان محقق کرکی (متوفای ۹۴۰ق) و یا محقق اردبیلی (متوفای ۹۹۳ق) ادامه دارد. (رک: مامقانی، بی‌تا، ج ۳، خانم، ص ۳۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۵۰۷؛ جناتی، ۱۳۷۴ش، ص ۳۰۱؛ ربانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۸ و ۱۳۸۰ش، ص ۱۰)

بنابراین، این تحقیق در سه قسمت بررسی و در پایان هر قسمت، حدیث مقبوله عمر بن حنظله براساس آن ارزیابی و جایگاه و میزان اعتبار آن مشخص می‌شود: ۱. تقسیم‌بندی احادیث؛ ۲. تعریف احادیث؛ ۳. ایرادات تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین.

سمت نخست: تقسیم‌بندی احادیث

احادیث در زمان‌های مختلف، از جهات متفاوتی تقسیم شده‌اند؛ براساس تفکیک دیدگاه عالمان و متخصصان علم رجال و اصول فقه، مهم‌ترین تقسیم‌بندی



احادیث عبارتند از: «تقسیم بندی مشترک»، «تقسیم بندی متقدمین» و «تقسیم بندی متأخرین»؛ بنابراین بررسی دیدگاه متقدمین و متأخرین درباره این تقسیم بندی ها لازم است تا جایگاه و میزان اعتبار حدیث مقبوله عمر بن حنظله در آنها مشخص شود.

تقسیم بندی مشترک

تقسیم بندی مشترک؛ یعنی اقسام حدیث مشترک بین متقدمین و متأخرین و علمای بعد از آنان، هرچند تعریف آنان از اقسام حدیث متفاوت است. در این تقسیم بندی، احادیث با تقسیم ثنایی به دو قسم مشابه؛ یعنی «متواتر و غیرمتواتر» یا «متواتر و واحد» تقسیم شده اند.

الف) متواتر و غیرمتواتر

شیخ طوسی (ره) در مقدمه کتاب «استبصار»؛ اخبار را با تقسیم ثنایی به دو قسم متواتر و غیرمتواتر تقسیم، و غیرمتواتر را نیز به دو قسم تقسیم کرده است. تقسیم بندی شیخ طوسی؛ اولاً به دلیل جایگاه ایشان که صاحب دو کتاب از کتب «اربعه» و دو کتاب از کتب «اصول رجالی» یا «اصول مانیه رجالی» است و ثانیاً به دلیل نقش آن در این تحقیق، به طور کامل نقل می شود. ایشان در تقسیم اخبار می گوید:

«اخبار دو قسم هستند: متواتر و غیرمتواتر:

متواتر خبری است که موجب علم می شود (مفید علم است)، عمل به حدیثی که موجب علم می شود، بدون چیز دیگری [بدون قرینه] واجب می شود.

غیرمتواتر دو قسم است:

یک قسم خبر غیرمتواتر، مانند متواتر موجب علم می شود (مفید علم است) و آن هر خبری است که مقترن به قرینه ی موجب علم باشد [خبر غیرمتواتر مقترن به قرینه موجب علم]؛ عمل به اینگونه حدیث نیز واجب است و ملحق به قسم اول، یعنی خبر متواتر می شود. قرائن زیاد هستند؛ مانند اینکه: ۱. خبر مطابق با ادله عقل و مقتضای آن باشد؛ ۲. خبر مطابق با ظاهر قرآن باشد؛ ۳. خبر مطابق با سنت قطعی باشد؛ ۴. خبر مطابق با چیزی باشد که مسلمانان بر آن اجماع کرده اند؛ ۵. خبر مطابق با



چیزی باشد که فرقه محقق بر آن اجماع کرده است. همه این قرائن خبر را از حوزه خبر آحاد خارج و آن را در باب معلوم وارد می‌کنند (موجب علم می‌وند) و عمل به آن واجب می‌شود.

قسم دیگر خبر غیرمتواتر، هر خبر غیرمتواتری است که فاقد یکی از این قرائن باشد [خبر غیرمتواتر غیرمقترن به قرینه موجب علم]؛ این قسم غیرمتواتر غیرمقترن، خبر واحد است و عمل به آن با شرایطی جایز می‌شود. [خبر واحد دو قسم است]:

۱. خبر دیگری با خبر واحد تعارض نمی‌کند؛ عمل به این خبر واجب می‌شود؛ زیرا از باب اجماع در نقل است، مگر اینکه فتاوا بر خلاف آن باشند که در این صورت به آن عمل نمی‌شود.

۲. خبر دیگری با خبر واحد تعارض می‌کند؛ در این صورت باید متعارضین

بررسی شوند. (طوسی ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۵۳)

استرآبادی (ره) نیز اخبار را با تقسیم ثنایی به دو قسم متواتر و غیرمتواتر تقسیم؛ ولی غیرمتواتر را به دو قسم متظافر و غیرمتظافر (واحد) تقسیم کرده است و در ادامه می‌گوید: «غیرمتظافر دو قسم است: خبر واحد محفوف به قرائن قطعی و غیرمحفوف به قرائن قطعی. غیرمحفوف دو قسم است: مسند و مرسل. مسند به اقسامی [بیش از ۴۰ قسم] تقسیم می‌شود: مستفیض، غریب، مشهور، شاذ، مقبول، مردود، صحیح، حسن، موثق، قوی، ضعیف و...» (استرآبادی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۱-۸۹)

ب) متواتر و واحد (آحاد)

برخی از علما اخبار را با تقسیم ثنایی به دو قسم متواتر و واحد تقسیم کرده‌اند و غیر از خبر متواتر، بقیه اخبار را از اقسام خبر واحد محسوب کرده‌اند.

شهید اول (ره) سنت را به دو قسم متواتر و آحاد تقسیم، ولی آحاد را به اقسام متعددی تقسیم کرده است که عبارتند از: «مشهور که ض نامیده می‌شود؛ صحیح؛ حسن؛ موثق که قوی نامیده می‌شود؛ مقبول؛ مرسل؛ موقوف؛ شاذ و نادر.» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸)؛ ضیاء الدین عراقی (ره)، حدیث را به دو قسم متواتر و



آحاد تقسیم؛ ولی خبر آحاد را به دو قسم مشهور و غیرمشهور تقسیم کرده است: «حدیث آحاد یا مشهور است که خبر مستفیض نامیده می‌شود و یا غیرمشهور که از نظر اصحاب چهار قسم است: صحیح، حسن، موثق و ضعیف.» (عراقی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۷)؛ مظفر (ره) نیز معتقد است: «خبر به دو قسم اصلی تقسیم می‌شود: خبر متواتر و خبر واحد.» (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۷۱)

تقسیم ندی متقدمین (قدما)

مقصود از «تقسیم‌بندی متقدمین» این نیست که تنها متقدمین این تقسیم ندی را پذیرفته‌اند؛ بلکه مقصود این است که این تقسیم‌بندی در زمان متقدمین رایج شده و موسوم به تقسیم‌بندی متقدمین است، هرچند برخی از متأخرین و نیز اکثر علمای بعد از متأخرین تا علمای معاصر، د ه متقدمین را پذیرفته‌اند.

متقدمین احادیث را تنها به دو قسم تقسیم کرده‌اند: صحیح و غیرصحیح و به تعبیر دیگر؛ معتبر و غیرمعتبر. شیخ بهایی (ره) می‌گوید: «اصطلاح متأخرین، یعنی تویع حدیث معتبر به صحیح، حسن و موثق، بین قدما ما معروف نبود است.» (شیخ بهائی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶)؛ ابواحسن مشکینی (ره) با صراحت می‌وید: «خبر از دیدگاه قدما دو قسم است: صحیح و غیرصحیح.» (مشکینی، ۱۴۱۱ق، ص ۸۹)؛ حانی نیز می‌گوید: «تقسیم بین قدما ثنایی و حدیث فقط معتبر یا غیرمعتبر بود.» (حانی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۸-۳۵۹)

تقسیم‌بندی متأخرین

مقصود از «تقسیم‌بندی متأخرین» این نیست که بعد از متقدمین همه علما این تقسیم‌بندی را پذیرفته‌اند؛ بلکه مقصود این است که این تقسیم‌بندی بعد از متقدمین رایج شده و موسوم به تقسیم‌بندی متأخرین است، هرچند برخی از متأخرین و نیز اکثر علمای بعد از آخرین تا علمای معاصر، د گاه متقدمین را پذیرفته‌اند.

متأخرین «اخبار» را و به تعبیر برخی علما، «خبر واحد» را به چهار قسم اصلی؛ یعنی صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم کرده‌اند. ابن‌شہید ثانی (ره)



معروف به صاحب معالم با تصریح به محوریت روایت در تقسیم‌بندی حدیث می‌گوید: «اصطلاح متأخرین اصحاب ما، تقسیم خبر به اعتبار اختلاف احوال روایت آن، به اقسام چهارگانه‌ی مشهور است که عبارتند از: صحیح، حسن، موثق و ضعیف.» (ابن‌شهیث ثانی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۴)؛ شیخ بهایی (ره) نیز بدون اشاره به حدیث ضعیف می‌گوید: «اصطلاح علمای متأخر ما، تنويع حدیث معتبر، ولو في الجملة، به انواع سه گانه مشهور؛ یعنی صحیح، حسن و موثق است.» (شیخ بهائی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴-۲۵)؛ ابوالحسن مشکینی (ره) نیز می‌گوید: «متأخرین خبر را به صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم کردند.» (مشکینی، ۱۴۱۱ق، ص ۸۹)

ارزایی جایگاه و اعتبار حدیث عمر بن حنظله

در این قسمت، جایگاه و میزان اعتبار حدیث مقبوله عمر بن حنظله در مهم‌ترین تقسیم‌بندی احادیث؛ یعنی «تقسیم‌بندی مشترک»، «تقسیم‌بندی متقدمین» و «تقسیم‌بندی متأخرین»؛ بررسی و تعیین می‌شود.

۱. ارزیابی بر اساس تقسیم‌بندی مشترک

برای تبیین جایگاه و اعتبار حدیث مقبوله عمر بن حنظله در تقسیم‌بندی مشترک؛ ابتدا نظر مرحوم شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق) که افزون بر تقسیم‌بندی؛ ارزیابی و اعتبارسنجی هر قسمت را نیز بیان کرده است و سپس نظر مرحوم استرآبادی (متوفای ۱۲۶۳ق) نقل می‌شود.

بر اساس تقسیم‌بندی مرحوم شیخ طوسی:

اولاً؛ اگر حدیث عمر بن حنظله خبر واحد باشد؛ یعنی از اقسام خبر غیرمقترن به قرینه محسوب شود، با توجه به اینکه خبر دیگری با آن تعارض نمی‌کند، حدیثی معتبر و عمل به آن واجب است و به تعبیر شیخ طوسی (ره): «وقتی که خبر دیگری با خبر واحد تعارض نمی‌کند؛ عمل به این خبر واجب می‌شود؛ زیرا از باب اجماع در نقل است.»



ثانیاً؛ حدیث عمر بن حنظله خبر واحد نیست؛ زیرا هر خبر غیرمتواتری خبر واحد نیست، بلکه آنها خبر غیرمتواتری که مقترن به قرینه نباشد، خبر واحد است. شیخ طوسی (ره) بعد از ذکر پنج قرینه می‌گوید: «همه این قرائن خبر را از حوزه خبر آحاد خارج و آن را در باب معلوم وارد می‌ند (موجب علم می‌شوند) و عمل به آن وا می‌شود»؛ بنابر این با توجه به قرائنی که ایشان و سایر علما ذکر کرده‌اند، حدیث عمر بن حنظله از خبر واحد و همه اقسام آن حتی از خبر صحیح در اصطلاح متأخرین معتبرتر است.

ثالثاً؛ حدیث عمر بن حنظله مثل خبر متواتر است؛ زیرا از قسم اول خبر متواتر؛ یعنی خبر مقترن به قرینه است و دارای قرائنی است که موجب علم می‌وند؛ بنابر این حدیث عمر بن حنظله مفید علم، معتبر و حجت است و به تعبیر شیخ طوسی (ره): «عمل به اینگونه حدیث نیز واجب است و ملحق به قسم اول، یعنی خبر متواتر می‌شود».

رابعاً؛ حدیث عمر بن حنظله بنابر افاده علم، از اقسام خبر متواتر در اصطلاح متقدمین محسوب می‌شود.

بر اساس تقسیم‌بندی مرحوم استرآبادی:

اولاً؛ حدیث عمر بن حنظله، متظافر و از حدیث مقبوله معتبرتر است؛ زیرا محفوف به قرائن است، در حالی که از دیدگاه ایشان، خبر مقبول از اقسام خبر غیرمتظافر و خبر واحد غیرمحفوف به قرائن است.

ثانیاً؛ حدیث عمر بن حنظله با توجه به اینکه محفوف به قرائن است، از خبر صحیح، حسن، موثق و قوی در اصطلاح متأخرین معتبرتر است؛ زیرا ایشان این اقسام را خبر واحد غیرمحفوف به قرائن می‌داند.

۲. ارزیابی بر اساس تقسیم‌بندی متقدمین

مرحوم شیخ بهایی (متوفای ۱۰۳۱ق) درباره حدیث صحیح از دیدگاه قدما می‌گوید: متعارف بین قدما، اطلاق صحیح بر هر حدیثی بود که معتضد و متکی به



چیزی باشد که مقتضی اعتماد به حدیث شود، یا اینکه مقترن به قرینه‌ای باشد که موجب وثوق و اطمینان به حدیث شود.

با توجه به تقسیم‌بندی متقدمین، حدیث مقبوله عمر بن حنظله مقترن به قرینه و از اقسام حدیث صحیح است و متقدمین این حدیث را غیر صحیح و غیر معتبر محسوب نکرده‌اند؛ بلکه عملاً آن را صحیح دانسته و در موضوعات متعددی به آن استناد و استدلال کرده‌اند.

۳. ارزیابی بر اساس تقسیم‌بندی متأخرین

متأخرین احادیث را به چهار قسم اصلی تقسیم کرده‌اند: صحیح، حسن، موثق و ضعیف.

اولاً؛ تقسیم‌بندی متأخرین را بسیاری از علما پذیرفته‌اند؛ زیرا ایرادات مهمی دارد (که هشت مورد از آنها در قسمت سوم ذکر می‌شود)؛ به همین دلیل اصل این تقسیم‌بندی قابل قبول نیست.

ثانیاً؛ افزون بر متقدمین، بسیاری از متأخرین و علمای بعد از آنان، حدیث عمر بن حنظله را ضعیف نمی‌دانند و کسانی که بر اساس اصطلاح و تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین آن را ضعیف محسوب کرده‌اند، ضعف آن را به دلایل متعدد قابل جبران می‌دانند.

قسمت دوم: تعریف احادیث

از دیدگاه متقدمین و متأخرین، تعریف اقسام حدیث، به‌ویژه تعریف حدیث صحیح، متفاوت است؛ بنابراین بررسی دیدگاه متقدمین و متأخرین درباره تعریف اقسام حدیث لازم است تا جایگاه و میزان اعتبار حدیث مقبوله عمر بن حنظله در این تعاریف مشخص شود. با توجه به سه نوع تقسیم‌بندی حدیث، تعریف اقسام حدیث نیز ذیل سه قسمت مذکور بررسی می‌شود؛ ولی «تعریف حدیث مقبول»، به دلیل



اهمیت و موضوعیت آن در این تحقیق، به طور مستقل بررسی می شود.

تعریف مشترک

در این قسمت تعریف خبر متواتر و واحد، که از اقسام حدیث مشترک بین متقدمین و متأخرین هستند، بررسی می شود.

الف) متواتر

تعریف متقدمین و متأخرین درباره خبر متواتر متفاوت است. متقدمین و برخی از علمای بعد از آنان، بدون اشتراط «تعداد راویان حدیث»، معتقدند: حدیث و خبر «متواتر»، خبری است که بنفسه (بدون قرینه) مفید علم و یقین باشد.

در این قسمت نظر برخی از این علما نقل می شود: «متواتر خبری است که موجب علم می شود (مفید علم است)، عمل به حدیثی که موجب علم می شود، بدون چیز دیگری [بدون قرینه]، واجب می شود.» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳)؛ «متواتر خبری است که موجب حصول علم قطعی به ناممکن بودن تبانی [بر کذب] می شود.» (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ «معیار در خبر متواتر، حصول و عدم حصول یقین است؛ اگر یقین حاصل شود خبر متواتر است.» (علامه حلی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۴)

متأخرین و برخی از علمای بعد از آنان، در تعریف خبر متواتر، تعداد اطمینان آور راویان حدیث را جزئی از تعریف و شرط تواتر می دانند و معتقدند: حدیث و خبر «متواتر»، خبری است که تعداد راویان آن در هر طبقه ای در حدی زیاد باشد که تبانی آنان بر کذب ناممکن، و بنفسه (بدون قرینه) مفید علم و یقین به صدق خبر باشد. در این قسمت نظر برخی از این علما نقل می شود: «متواتر خبری است که روایتش به حدی رسیده اند که علم به قول آنان حاصل می شود.» (پهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸)؛ «اگر سلسله روایت در هر طبقه ای به حدی رسیده اند که موجب ایمنی از تبانی آنان بر کذب می شود متواتر است؛ بنابراین متواتر تعریف می شود به خبر گروهی که بنفسه (بدون قرینه) مفید یقین به صدق خبر باشد.» (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق،



ص ۴)؛ «متواتر خبر گروهی است که بنفسه (بدون قرینه) مفید یقین به صدق خبر باشد.» (نراقی، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۱)؛ «خبر متواتر، خبر گروهی است که تبانی آنان بر کذب ناممکن می‌شود و موجب اطمینانی می‌شود که شک را برطرف و جزم قطعی حاصل می‌کند.» (مظفر، ۱۴۳۰ ق، ج ۳، ص ۷۱)

اعتبار خبر متواتر

بنابر نظر متقدمین و متأخرین، خبر متواتر به دلیل حصول علم و یقین؛ حجت و عمل به آن واجب است. به تعبیر برخی علما: «متواتر خبری است که موجب علم می‌شود (مفید علم است)، عمل به حدیثی که موجب علم می‌شود، بدون چیز دیگری [بدون قرینه] واجب می‌شود.» (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۳)؛ «خبر متواتر به دلیل افاده یقین (یقین‌آوری) حجت است.» (محقق حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ «قبول خبر متواتر قطعی است؛ برای اینکه عمل به علم واجب است.» (یداول، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۴۹)

ب) واحد (آحاد)

حدیث و خبر «واحد (آحاد)»، خبری است که به حد تواتر (که بنفسه) بدون قرینه) مفید علم و یقین به صدق خبر باشد، نرسیده است؛ اعم از اینکه راوی آن یک نفر یا بیشتر باشد، و بنفسه مفید علم و یقین نیست؛ بلکه بنفسه تنها مفید ظن است، ولی در صورتی که محفوف به قرینه باشد مفید علم است.

در این قسمت نظر برخی از متقدمین و متأخرین و علمای بعد از آنان درباره تعریف خبر واحد نقل می‌شود: «خبر واحد، هر خبر غیر متواتری است که فاقد یکی از قرائن موجب علم باشد.» (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۴)؛ «خبر واحد، خبری است که به حد تواتر نرسیده است.» (محقق حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ «خبر واحد، خبری است که مفید ظن باشد، هر چند راوی آن متعدد باشد.» (علامه حلی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۰۵)؛ «خبر آحاد خبری است که به حد متواتر نرسیده است؛ اعم از اینکه راوی آن یک نفر یا بیشتر باشد.» (یمید ثانی، ۱۴۰۸ ق، ص ۶۹)؛ «خبر واحد، خبری است که به حد تواتر



نرسیده است؛ اعم از این که روایتش زیاد یا کم باشند و بنفسه مفید علم نیست؛ ولی گاهی با انضمام قرائن به آن مفید علم است.» (ابن شهید ثانی، بی تا، ص ۱۸۷)؛ «خبر آحاد خبری است که بنفسه تنها مفید ظن است.» (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۴)

اعتبار خبر واحد

در صورتی که خبر دیگری با خبر واحد معارض نباشد یا محفوف به قرینه باشد، خبر واحد حجت و عمل به آن واجب است.

در این قسمت نظر برخی از متقدمین و متأخرین و علمای بعد از آنان درباره اعتبار خبر واحد نقل می‌شود: شهید اول (ره) به طور کلی و بدون ذکر شرایط می‌گوید: «خبر واحد با شروط مشهور آن، مقبول است.» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۹) و آخوند خراسانی (ره) نیز معتقد است: «مشهور بین اصحاب این است که خبر واحد فی‌الجمله حجت است.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۳)؛ شیخ طوسی (ره) با ذکر شرط عدم تعارض، می‌گوید: «وقتی که خبر دیگری با خبر واحد تعارض نمی‌کند؛ عمل به این خبر واجب می‌شود؛ زیرا از باب اجماع در نقل است، مگر اینکه فتوای علما بر خلاف آن باشند که در این صورت به آن عمل نمی‌شود.» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴)؛ مظفر (ره) با ذکر شرط احتفاف به قرائن می‌گوید: «خبر واحد گاهی مفید علم است هر چند راوی ك نفر باشد و این در صورتی است که خبر واحد محفوف به قرائنی است که موجب علم به صدق آن می‌شوند و بدون تردید چنین خبری حجت است؛ زیرا با حصول علم، هدف نهایی حاصل می‌شود.» (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۷۲)؛ اضل تونی (ره) برخی دیگر از شرایط عمل به خبر واحد را ذکر کرده است: «برای عمل به خبر واحد در این زمان، شرایطی وجود دارد: وجود خبر در کتب مورد اعتماد شیعه؛ مانند کافی، فقیه و تهذیب با عمل جمعی از آنان به خبر، بدون رد آن و بدون معارض قوی‌تر از آن» (اضل تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۶)



تعریف متقدمین

متقدمین احادیث را تنها به دو قسم تقسیم کرده‌اند: صحیح و غیر صحیح و به تعبیر دیگر؛ معتبر و غیر معتبر. بر خلاف متأخرین، که «امامی و عادل بودن تمام روایات حدیث» را معیار صحت حدیث می‌دانند، متقدمین در تعریف حدیث صحیح؛ «اعتماد به حدیث و اطمینان به صدور آن از معصوم (ع)» را معیار صحت می‌دانند؛ بنابراین از دیدگاه متقدمین، حدیث صحیح و معتبر حدیثی است که با قرائن داخلی یا خارجی؛ اعتماد به آن و اطمینان به صدورش از معصوم (ع) حاصل شود و حدیث غیر صحیح و غیر معتبر حدیثی است که اعتماد به آن و اطمینان به صدورش از معصوم (ع) حاصل نشود.

در این قسمت نظر برخی از علما درباره تعریف حدیث صحیح و معتبر از دیدگاه متقدمین نقل می‌شود: «متعارف بین قدما، اطلاق هر حدیثی بود که معتضد و متکی به چیزی باشد که مقتضی اعتماد به حدیث شود، یا اینکه مقتربن به قرینه‌ای باشد که موجب وثوق و اطمینان به حدیث شود.» (شیخ بهائی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶)؛ «حدیث صحیح از دیدگاه قدما حدیثی است که علم قطعی به ورود آن از معصوم (ع) وجود داشته باشد.» (استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۰۹)؛ «خبر صحیح از دیدگاه قدما خبری است که به آن اعتماد و به صدق صدورش اطمینان حاصل می‌کنند و مطمئن می‌شوند که از معصوم (ع) است، اگرچه در سلسله سندش غیر امامی باشد؛ ضعیف خبری است که به آن اعتماد نشده است.» (استرآبادی، ۱۳۸۸ش، ص ۸۳) «حدیثی که قرائن داخلی یا قرائن خارجی، آن را تأیید کنند، حدیثی صحیح است، یعنی معتبر و استناد به آن جایز است و حدیثی که فاقد این دو مزیت باشد حدیثی غیر صحیح است، یعنی نامعتبر است و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.» (حانی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۸-۳۵۹)

تعریف متأخرین

متأخرین احادیث را به چهار قسم اصلی تقسیم کرده‌اند: صحیح، حسن، موثق و ضعیف؛ در این قسمت تعاریف این چهار قسم از دیدگاه متأخرین بررسی می‌شود.

**صحیح**

حدیث و خبر صحیح خبر واحدی است که راویان آن در سلسله سند تا معصوم (ع)، همه امامی و همه ممدوح به تعدیل باشند (همه امامی و عادل باشند). در این قسمت دیدگاه برخی از علما درباره تعریف حدیث صحیح از دیدگاه متأخرین نقل می‌شود: «خبر صحیح خبری است که با راوی عادل امامی به معصوم (ع) برسد.» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸)؛ «خبر صحیح خبری است که سندش، با نقل راوی عادل امامی از مثل خودش در همه طبقات، به معصوم (ع) برسد.» (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۷)؛ «اگر سلسله مسند، امامی ممدوح به تعدیل باشند، حدیث «صحیح» است.» (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۵)؛ «مقصود از حدیث صحیح خبری است که همه روات آن عادل و امامی باشند.» (خوبی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۱۰)

حسن

حدیث و خبر حسن، خبر واحدی است که راویان آن در سلسله سند تا معصوم (ع)، همه امامی و همه ممدوح به مدح بدون تعدیل باشند یا بعضی ممدوح به مدح بدون تعدیل و بقیه ممدوح به تعدیل باشند. در این قسمت دیدگاه برخی از علما درباره تعریف حدیث حسن از دیدگاه متأخرین نقل می‌شود: «حسن خبری است که سند آن با راوی امامی ممدوحی که نصی بر عدالتش وجود ندارد به معصوم (ع) برسد، در تمام مراتب یا در بعضی مراتب.» (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۱)؛ «حسن، حدیثی است که سند آن به معصوم (ع) برسد با راوی امامی ممدوح بدون معارضه ذم مقبولی و بدون ثبوت عدالت در همه مراتب یا در بعضی مراتب با موصوف بودن بقیه به صفت رجال صحیح [امامی و عادل].» (ان‌شهید ثانی، بی‌تا، ص ۲۱۶)؛ «اگر سلسله مسند امامی و همه ممدوح بدون تعدیل باشند یا بعضی ممدوح بدون تعدیل باشند ولی بقیه ممدوح به تعدیل باشند، حدیث «حسن» است.» (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۵)

**موثق (وقوی)**

حدیث و خبر موثق (و قوی) خبر واحدی است که راویان آن در سلسله سند تا معصوم (ع)، همه یا بعضی غیر امامی باشند، ولی همه توثیق شده باشند. در این قسمت دیدگاه برخی از علما درباره تعریف حدیث موثق (و قوی) از دیدگاه متأخرین نقل می‌شود: «موثق خبری است که به توثیق راوی آن تصریح شده، ولی عقیده‌اش فاسد است، و قوی نامیده می‌شود.» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸)؛ «موثق خبری است که در ریق آن، غیر امامی باشد؛ ولی بین اصحاب به توثیق او تصریح شده است و باقی طریق از جهت دیگری ضعف نداشته باشد و قوی نیز نامیده می‌شود.» (ابن شهید ثانی، بی تا، ص ۲۱۶)؛ «اگر همه یا بعضی از روایات سلسله سند خبر، غیر امامی، وی همه توثیق شده باشند، «موثق» است.» (شیخ بهائی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶)

ضعیف

حدیث و خبر ضعیف؛ خبر واحدی است که صحیح، حسن، موثق (و قوی) نباشد؛ به بیان دیگر خبر واحدی است که شرایط هیچ یک از احادیث صحیح، حسن، موثق (و قوی) را نداشته باشد. در این قسمت دیدگاه برخی از علما درباره تعریف حدیث ضعیف از دیدگاه متأخرین نقل می‌شود: «ضعیف در مقابل قوی است و گاهی اوقات ضعیف در مقابل بیح، حسن و موثق است.» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸)؛ «ضعیف خبری است که شرایط هیچ یک از سه حدیث [صحیح، حسن، موثق (و قوی)] را نداشته باشد.» (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶)؛ «غیر از چهار حدیث [صحیح، حسن، موثق و قوی]، حدیث ضعیف است.» (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۵)

تعریف حدیث مقبول

حدیث و خبر مقبول، خبری است که تلقی به قبول و به مضمون آن عمل شده است؛ بدون توجه به اینکه صحیح، حسن یا موثق و قوی باشد.



در این قسمت دیدگاه برخی از علما درباره تعریف حدیث مقبول از دیدگاه متأخرین نقل می‌شود: «مقبول خبری است که آن را تلقی به قبول کرده و به مضمون آن عمل کرده‌اند.» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸)؛ «مقبول خبری است که آن را تلقی به قبول کرده و به مضمون آن عمل کرده‌اند؛ بدون توجه به صحت و عدم صحت آن.» (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۰) «مقبول خبری است که آن را تلقی به قبول کرده و به مضمون آن عمل کرده‌اند؛ بدون توجه به اینکه صحیح، حسن و یا موثق است.» (شهید ثانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴)؛ «اگر عمل به مضمون خبر مشهور شود مقبول است.» (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۵)

اعتبار حدیث مقبول

حدیث مقبول، عام و شامل تمام احادیث مورد قبول و عمل می‌شود؛ اعم از اینکه صحیح، حسن یا موثق و قوی باشد. حدیث مقبوله از صحیح در اصطلاح متأخرین معتبرتر است؛ زیرا ممکن است حدیثی دارای شرایط تعریف صحیح باشد، ولی به دلایلی همچون صدور در حال تقیه مورد قبول نباشد و به آن عمل نشود؛ اما مقبوله خبری است که تلقی به قبول و به مضمون آن عمل شده است. شهید ثانی درباره اعتبار حدیث مقبول می‌گوید «مقبول خبری است که از دیدگاه جمهور عمل به آن واجب است.» (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۱)

ارز ابی جایگاه و اعتبار حدیث عمر بن حنظله

بر اساس هر یک از دو تقسیم‌بندی قدیم و جدید، تعریف اقسام حدیث، به ویژه تعریف حدیث صحیح متفاوت می‌شود؛ با توجه به چهار قسمت تعریف احادیث، جایگاه و میزان اعتبار حدیث مقبوله عمر بن حنظله در همان چهار قسمت، بررسی و تعیین می‌شود.



۱. ارزیابی بر اساس تعریف مشترک

متقدمین و برخی از علمای بعد از آنان، بدون اشتراط «تعداد راویان حدیث»، معتقدند: حدیث و خبر «متواتر»، خبری است که بنفسه (بدون قرینه) مفید علم و یقین باشد. بنابر این نظر؛ اولاً حدیث عمر بن حنظله بنابر افاده علم، از اقسام خبر متواتر در اصطلاح متقدمین محسوب می‌شود؛ ثانیاً اگر حدیث عمر بن حنظله متواتر محسوب نشود، بنابر نظر شیخ طوسی (ره) مثل خبر متواتر است؛ زیرا مشمول تعریف قسم اول از خبر غیر متواتر، یعنی خبر مقتدرن به قرینه است و به تعبیر شیخ طوسی (ره) «عمل به اینگونه حدیث نیز واجب است و ملحق به قسم اول، یعنی خبر متواتر می‌شود».

متأخرین و برخی از علمای بعد از آنان، در تعریف خبر متواتر، تعداد اطمینان آور راویان حدیث را جزئی از تعریف و شرط تواتر می‌دانند و معتقدند: حدیث و خبر «متواتر»، خبری است که تعداد راویان آن در هر طبقه‌ای در حدی زیاد باشد که تبانی آنان بر کذب ناممکن، و بنفسه (بدون قرینه) مفید علم و یقین به صدق خبر باشد. بنابر این نظر؛ حدیث عمر بن حنظله همانند اکثریت قاطع احادیث، خبر متواتر (در تعریف متأخرین) محسوب نمی‌شود؛ ولی خبر واحد با شرایطی معتبر و عمل به آن واجب است و حدیث عمر بن حنظله واجد این شرایط است؛ زیرا به تعبیر شهید اول خبر واحد با شروط مشهور آن، مقبول است؛ به تعبیر مرحوم آخوند خراسانی مشهور بین اصحاب حجیت خبر واحد فی الجملة است و به تعبیر مرحوم مظفر در صورتی که خبر واحد محفوف به قرینه باشد بدون تردید حجت است.

۲. ارزیابی بر اساس ریف متقدمین

بر خلاف متأخرین، که «امامی و عادل بودن تمام روات حدیث» را معیار صحت آن می‌دانند، متقدمین در تعریف حدیث صحیح؛ «اعتماد به حدیث و اطمینان به صدور آن از معصوم (ع)» را معیار صحت می‌دانند؛ بنابر این از دیدگاه متقدمین، حدیث صحیح و معتبر حدیثی است که با قرائن داخلی یا خارجی؛ اعتماد به آن و



اطمینان به صدورش از معصوم (ع) حاصل شود و حدیث غیر صحیح و غیر معتبر حدیثی است که اعتماد به آن و اطمینان به صدورش از معصوم (ع) حاصل نشود. بنابراین تعریف حدیث صحیح در اصطلاح متقدمین، حدیث عمر بن حنظله، حدیثی صحیح است؛ زیرا دارای قرائن متعددی است و مورد اعتماد، اطمینان و عمل علما واقع شده است.

۳. ارزیابی بر اساس تعریف متأخرین

تعریف حدیث صحیح از دیدگاه متقدمین با تعریف حدیث صحیح از دیدگاه متأخرین متفاوت است؛ به همین دلیل صحت حدیث را متقدمین از طرق مختلف؛ ولی متأخرین غالباً از طریق سند اثبات می‌کنند؛ بنابراین متأخرین دایره حدیث صحیح را بسیار محدود کرده‌اند و فقط یک قسم از اقسام حدیث صحیح از دیدگاه متقدمین را صحیح می‌دانند؛ به تعبیر محدث نوری (ره): «صحیح از دیدگاه متأخرین یکی از اقسام صحیح از دیدگاه متقدمین است.» (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۷) به تعبیر دیگر «حکم کلینی به صحت احادیث مستلزم صحت آنها در اصطلاح متأخرین نیست؛ زیرا ممکن است منشأ صحت در همه یا برخی، چیزی غیر از وثاقت راوی باشد.» (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۴۸۲-۴۸۳)

بنابراین حدیث عمر بن حنظله در اصطلاح متقدمین، که خود صاحب کتب اصلی حدیث و رجال هستند، حدیثی صحیح است؛ ولی در اصطلاح و تعریف متأخرین، صحیح محسوب نمی‌شود؛ اما بسیاری از متأخرین و علمای بعد از آنان تا معاصرین، این حدیث را معتبر و مانند صحیح می‌دانند.

۴. ارزیابی بر اساس تعریف حدیث مقبول

بزرگان شیعه؛ اعم از متقدمین و متأخرین و علمای بعد از آنان تا معاصرین، حدیث عمر بن حنظله را قبول داشته و به آن عمل کرده و براساس آن فتوا و حکم داده‌اند.

از دیدگاه متقدمین حدیث عمر بن حنظله از احادیث صحیح بوده است و اساساً در



تقسیم‌بندی متقدمین، احادیث تنها به دو قسم صحیح و غیر صحیح تقسیم شده‌اند و اصطلاح حدیث مقبوله وجود نداشته است، به همین دلیل، حدیث عمر بن حنظله به عنوان حدیث مقبوله مطرح نشده است؛ بلکه بدون توصیف به «مقبوله» به آن استناد شده است که دو نمونه آن نقل می‌شود: «روی عن عمر بن حنظلة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجلين من أصحابنا...» (ابوالصلاح حلبی (متوفای ۴۴۷ق)، ۱۴۰۳ق، ص ۴۲۴) و «روی عن عمر بن حنظلة، قال سألت أبا عبد الله عليه السلام، عن رجلين من أصحابنا...» (ابن ادریس حلبی (متوفای ۵۹۸ق)، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۳۹)

قسمت سوم: ایرادات تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین

متأخرین اخبار را به چهار قسم اصلی؛ یعنی صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم کرده‌اند و تعریف آنان از احادیث، به‌ویژه حدیث صحیح، با تعریف متقدمین متفاوت است؛ زیرا متأخرین «امامی و عادل بودن تمام روایات حدیث» را معیار صحت حدیث می‌دانند. تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین و اصطلاح جدید متأخرین، ایرادات متعددی دارد که در این قسمت برخی از مهم‌ترین آنها به‌طور خلاصه بیان می‌شود. با توجه اینکه این ایرادات به تقسیم‌بندی و تعریف متقدمین وارد نیستند، می‌توان آنها را ادله اثبات دیدگاه متقدمین و اعتبار اکثر احادیث محسوب کرد.

۱. مبتنی بر اعتقاد عامه و مأخوذ از کتب آنان

تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین، مبتنی بر اعتقاد عامه و مأخوذ از کتب آنان است؛ در حالی که معصومان علیهم‌السلام به اجتناب از شیوه عامه دستور داده‌اند. ابن‌شهیید ثانی (ره) با تصریح به اخذ اکثر انواع حدیث از عامه می‌گوید: «اکثر انواع حدیث، بعد از پیدایش معانی آنها در حدیث عامه، از استنباطات و ابداعات آنان هستند و گروهی از اصحاب ما در این موضوع از عامه پیروی کرده‌اند.» (ابن‌شهیید ثانی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۰)؛ استرآبادی (ره) نیز معتقد است «تقسیم‌بندی متأخرین و



احکام متعلق به آن، در کتب قدیم و جدید عامه مشهور بوده است.» (استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲۳)؛ حر عاملی (ره) درباره تفاوت شیوه متقدمین و متأخرین می‌گوید: «شیوه متقدمین مخالف با شیوه عامه و اصطلاح جدید موافق با اعتقاد و اصطلاح عامه است؛ بلکه از کتب آنان گرفته شده است؛ در حالی که ائمه علیهم السلام دستور به اجتناب از شیوه عامه داده‌اند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۵۹)

۲. اختلاف نظر در جرح و تعدیل

رجال شناسان در بسیاری از موضوعات رجالی (مانند جرح و تعدیل)، که مبنا و منبع تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین است؛ اختلاف، تناقض و اشتباهاتی دارند؛ بنابراین تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین، مبنا و معیار مطمئن و حجت‌آوری ندارد. فیض کاشانی (ره) درباره اختلافات غیرقابل رفع در جرح و تعدیل می‌گوید: «در جرح و تعدیل و شرایط آندو؛ اختلاف و تناقض و اشتباهاتی وجود دارد که به صورتی که موجب اطمینان نفس شود، مرتفع نمی‌شوند.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۵)؛ محدث بحرانی (ره) نیز درباره اختلافات غیرقابل جمع می‌گوید: «کلام آنان در جرح و تعدیل آشفته و نامنظم است، به صورتی که قابل جمع، و تبیین و تفسیر نیست؛ یکی جرح را بر تعدیل مقدم می‌کند؛ یکی نجاشی را بر شیخ مقدم می‌کند و یکی با او منازعه می‌کند.» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۳)؛ و بید بهبهانی (ره) درباره اختلاف نظر در تعدیل و عدالت و معیار آن می‌گوید: «معیار در تعدیل، ظنون مجتهد است؛ زیرا تعدیل معتبر جز در مواردی نادر از قداما است، ولی نظر آنان درباره عدالت مشخص نشده است که آیا ملکه، حسن ظاهر یا عدم ظهور فسق است با اینکه اولی [ملکه] خلاف چیزی است که از قداما دیده می‌شود، و نیز مشخص نشده است که آنان چه چیزی را در عدالت شرط می‌دانند؟» (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۹)

۳. محدودیت کتب جرح و تعدیل

بنابر نظر متأخرین، برای اعتبار هر حدیثی باید روای آن توثیق شده باشند، در حالی که اسم بسیاری از روای در کتب رجال ذکر نشده است؛ زیرا کتب جرح و



تعدیل بسیار محدود و ناقص هستند و افزون بر آن، اکثر کتب اصلی رجال برای جرح و تعدیل تدوین نشده، بلکه با اهداف مختلف دیگری تدوین شده‌اند.

فیض کاشانی (ره) در بیان این مشکل می‌یابد: «بسیاری از روایاتی که شأن زیاد و قابل توجهی دارند و مشایخ مشایخ مشهور ما هستند و زیاد از آنان حدیث نقل می‌نمند، در کتب جرح و تعدیل؛ مدح و قدحی از آنان ذکر نشده است و بنابر این اصطلاح، باید حدیث آنان ضعیف محسوب شود، در حالی که صاحبان این اصطلاح نیز راضی به این نیستند؛ مثل احمد بن محمد بن یحیی عطار که از مشایخ شیخ صدوق است.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۵)؛ بروجردی (ره) با بررسی موضوع و اهداف مهم‌ترین کتب رجال، در تبیین دلیل عدم جرح و تعدیل همه روایات در کتب رجال می‌وید: «کتبی که در این موضوع نوشته شده است چند کتاب بیشتر نیستند؛ ذکر و مطرح نشدن یک راوی در این کتاب‌ها، موجب عدم اعتناء به روایت او نمی‌شود؛ زیرا: کتاب رجال شیخ شامل تمام روایات نمی‌شود؛ برای اینکه ظاهراً به صورت پیش‌نویس بوده و هدف شیخ رجوع دوباره به آن برای نظم و ترتیب آن و توضیح حال برخی از روایات مذکور در آن بوده است. اما کتاب رجال کشی، ظاهراً هدفش جمع کردن اشخاصی بوده که روایت یا روایاتی درباره آنان به صورت مدح یا قدح و مانند آن، آمده است. اما کتاب نجاشی، هدفش وارد کردن مصنفان و کسانی بوده است که تألیف یا تصنیفی از آنان پیدا شده است و فهرست شیخ نیز این گونه است.» (بروجردی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۳۱-۲۳۲)؛ میرزا جواد تبریزی به طور خاص درباره عمر بن حنظله می‌گوید: «عمر بن حنظله از معاریف و مشاهیری است که هیچ قدحی درباره آنان وارد نشده است و این موجب اعتبار خبر او می‌شود؛ زیرا این عدم قدح، کاشف از حسن ظاهر او در زمان خودش است.» (تبریزی، ۱۳۸۷ش، ج ۶، ص ۱۴۲)

۴. ناقض در اعتماد به قدما

متأخرین در اعتماد به قدما درباره جرح و تعدیل و تصحیح اخبار، تناقض نظری و عملی دارند؛ زیرا مبنای متأخرین در جرح و تعدیل روایات، اعتماد به نظر متقدمین و استناد به نظر آنان است و برای اعتماد به حدیث باید روایات آن توسط متقدمین



توثیق شده باشند؛ ولی عملاً نظر متقدمین را درباره صحت روایات کتب خودشان نمی‌پذیرند و در نتیجه موجب نادیده گرفتن نظر شخصیت‌هایی همچون مرحوم کلینی و مرحوم شیخ صدوق درباره صحت روایات کتب خودشان می‌شوند، درحالی که اعتبار نظر کلینی و صدوق، از توثیق نجاشی و شیخ طوسی درباره جرح و تعدیل روایات احادیث آنان کمتر نیست.

بیض کاشانی (ره) درباره برخورد دوگانه متأخرین با مصنفان اصول چهارگانه می‌گوید: «محور و اساس احکام شرعی این اصول چهارگانه است و مصنفان این اصول به صحت آنان شهادت داده‌اند؛ بنابر این اگر به شهادت آنان به صحت کتبشان اعتماد نمی‌کنند، پس در جرح و تعدیل نیز نباید به شهادت آنان و امثال آنان اعتماد کنند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۴)؛ محدث بحرانی (ره) نیز درباره این تناقض می‌گوید: «توثیق و جرحی را که تنويع و تقسیم‌بندی اخبار را بر آن مبتنی کرده‌اند، از کلام قدما گرفته‌اند؛ همچنین اخباری را که در احوال روایات، مانند مدح و ذم نقل شده است، از کلام قدما گرفته‌اند؛ بنابر این وقتی در امثال این امور به قدما اعتماد کردند، چرا در تصحیح خبری که قدما صحیح دانسته‌اند و به آن اعتماد و صحت آن را تضمین کرده‌اند، به آنان اعتماد نمی‌کنند؟» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۶)

۴. ریح متأخرین به صحت اخبار کتب معتبر

متأخرین برخلاف مبنای خود، به صحت و اعتبار اخبار اصول چهارصدگانه، کتب اربعه و کتب معتبر تصریح کرده‌اند و این خود دلیل محکمی بر ضعف مبنای متأخرین و در مقابل دلیل قوت و اتقان مبنا و شیوه متقدمین در تقسیم‌بندی و تعریف احادیث است.

محدث بحرانی (ره) با بیان این ایراد، موارد متعددی از تصریح متأخرین به صحت اخبار کتب معتبر نقل می‌کند: «شهید اول بعد از شمردن برخی از کتب اخبار با اسانید صحیح و حسان و قوی؛ گفت: انکار بعد از این، مجادله محض و تعصب صرف است. شهید ثانی گفت: کار امامیه بر چهارصد کتاب تثبیت شد که آنها را اصول نامیدند و به آنها اعتماد کردند، تا اینکه بیشتر این اصول از بین رفت و جمعی

آنها را در کتب ویژه‌ای خلاصه کردند که در دسترس هستند و بهترین کتبی که جمع کردند عبارتند از: کتاب کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه. شیخ حسن ابن شهید ثانی در بحث اجازه از کتاب معالم گفت: اثر اجازه نسبت به عمل زمانی ظاهر می‌شود که متعلق آن با تواتر و مانند تواتر، معلوم نباشد؛ مثل کتب اخبار ما که اجمالاً متواتر هستند و علم تفصیلی به صحت مضامین آنها از قرائن احوال استفاده می‌شود و غالباً اجازه دخالتی در آن ندارد. شیخ بهائی گفت: همه احادیث ما، جز مواردی نادر، به ائمه دوازده‌گانه ما علیهم السلام می‌رسند و آنان احادیث را به پیامبر (ص) می‌رسانند. قدمای محدثین ما احادیثی را که از ائمه علیهم السلام به آنان رسیده، در چهارصد کتاب جمع کرده‌اند که اصول نامیده می‌شوند؛ سپس جمعی متصدی جمع و ترتیب این کتب شدند و کتب مضبوط و مهذبی را تألیف کردند که مشتمل بر اسانید متصل به اصحاب عصمت علیهم السلام هستند؛ مانند کتاب کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استبصار، مدینه العلم، خصال، امالی و عیون الاخبار.» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۷-۲۰)

۵. پیروی متأخرین از شیوه قدما

متأخرین افزون بر تصریح به صحت و اعتبار اخبار کتب معتبر، در موارد متعددی از شیوه قدما پیروی و حکم به صحت احادیثی کرده‌اند که بنابر مبنای خودشان ضعیف محسوب می‌شوند و این نیز دلیل محکم دیگری بر ضعف مبنای متأخرین و در مقابل دلیل قوت و اتقان مبنا و شیوه متقدمین در تقسیم‌بندی و تعریف احادیث است.

فیض کاشانی (ره) در بیان این ایراد می‌گوید: «گاهی اوقات متأخرین از شیوه قدما پیروی می‌کنند و احادیثی را به صحت توصیف می‌کنند که در سند آنها رواتی هستند که معتقدند فطحی و ناووسی هستند.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۴)؛ محدث بحرانی (ره) نیز با بیان موارد متعددی از پیروی متأخرین از شیوه قدما می‌گوید: «در آنچه که درباره این اصطلاح مقرر و معین کرده‌اند، با خودشان مخالفت می‌کنند و به صحت احادیثی حکم می‌کنند که به اصطلاح آنان ضعیف هستند؛ مانند مراسیل



ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی (۰) (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۳)

۶. عیف اکثر احادیث

تعریف و اصطلاح جدید متأخرین موجب تضعیف بسیاری از احادیث معصومان علیهم السلام؛ یعنی تضعیف بزرگ‌ترین منبع دین می‌شود؛ زیرا علم به عدالت روات جز در موارد نادری حاصل نمی‌شود.

حر عاملی (ره) درباره ملازمه بین تعریف و اصطلاح جدید متأخرین و بین ضعف اکثر، بلکه همه احادیث و نیز تفاوت عدالت و وثاقت می‌گوید: «اصطلاح جدید مستلزم ضعف اکثر احادیثی می‌شود که نقل آنها از اصول مورد اجماع، معلوم شده است؛ ... بلکه مستلزم ضعف همه احادیث می‌شود؛ زیرا صحیح از دیدگاه آنان «خبری است که راوی عادل، امامی و ضابط در تمام طبقات آن را نقل کند»؛ در حالی که جز در مواردی نادر به عدالت هیچ یک از روات تصریح نکرده‌اند و تنها به توثیق تصریح کرده‌اند و قطعاً توثیق مستلزم عدالت نیست. مقصود از ثقه کسی است که به خبرش وثوق و اطمینان حاصل می‌شود و عادتاً دروغ نمی‌گوید. برای هر انسان با انصافی بدون تردید معلوم است که ثقه با فسق، بلکه با کفر جمع می‌شود. صاحبان اصطلاح جدید، عدالت را در راوی شرط کرده‌اند و لازمه این، ضعف تمام احادیث ما است؛ زیرا جز در مواردی نادر، علم به عدالت هیچ یک از روات وجود ندارد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳۰، ص ۲۵۹-۲۶۰)

۷. عدم جواز تقلید در مسائل اصولی

تقلید موارد خاصی دارد و در همه موضوعات و علوم جایز نیست. طباطبایی یزدی (ره) درباره موارد مجاز و غیرمجاز تقلید می‌گوید: «محل و مورد تقلید، احکام فرعی عملی است؛ بنابر این در اصول دین، مسائل اصول فقه، مبادی و مقدمات استنباط و اجتهاد مانند نحو و صرف، تقلید نمی‌شود.» (باطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴-۲۵)؛ حر عاملی (ره) درباره عدم جواز تقلید در مسائل اصولی، مانند اصطلاح متأخرین در تقسیم‌بندی و تعریف احادیث، می‌گوید: «این اصطلاح در زمان علامه

یا استادش احمد ابن طاوس به وجود آمده است و اجتهاد و ظن آندو است و این یک مسئله اصولی است که تقلید در آن جایز نیست.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳۰، ص ۲۶۲)

با توجه به ایرادات متعدد تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین و در مقابل آن، ترجیح و قبول تقسیم‌بندی و تعریف متقدمین، حدیث عمر بن حنظله حدیثی صحیح و معتبر است و تردیدی در حجیت آن باقی نمی‌ماند؛ زیرا همه ایراداتی که به این حدیث شریف وارد شده بر مبنای دیدگاه متأخرین بوده است در حالی که این دیدگاه دارای ایرادات زیادی است و به همین دلیل بسیاری از علما آن را نپذیرفته‌اند و خود متأخرین نیز در بسیاری از موارد بر خلاف آن عمل کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

با بررسی جامع و تطبیقی دیدگاه متقدمین و متأخرین درباره «تقسیم‌بندی و تعریف احادیث»، نتایج مهمی حاصل شده است که برآیند آنها ترجیح قاطعانه دیدگاه متقدمین و اعتبار اکثر احادیث، و صحت و اعتبار حدیث عمر بن حنظله است. مهمترین این نتایج در چهار قسمت به‌طور خلاصه نقل می‌شود:

۱. براساس تفکیک دیدگاه عالمان و متخصصان علم رجال و اصول فقه، مهم‌ترین تقسیم‌بندی احادیث عبارتند از: «تقسیم‌بندی مشترک»، «تقسیم‌بندی متقدمین» و «تقسیم‌بندی متأخرین». در «تقسیم‌بندی مشترک»، احادیث با تقسیم ثنایی به دو قسم مشابه؛ یعنی «متواتر و غیرمتواتر» یا «متواتر و واحد» تقسیم شده‌اند؛ در «تقسیم‌بندی متقدمین»، احادیث تنها به دو قسم صحیح و غیرصحیح و به تعبیر دیگر معتبر و غیرمعتبر تقسیم شده‌اند؛ ولی در «تقسیم‌بندی متأخرین»، احادیث به چهار قسم اصلی؛ یعنی صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم شده‌اند.

۲. تعریف اقسام حدیث، به‌ویژه تعریف حدیث صحیح از دیدگاه متقدمین و متأخرین متفاوت است؛ زیرا معیار صحت حدیث، از دیدگاه متقدمین «اعتماد به حدیث و اطمینان به صدور آن از معصوم (ع)»؛ ولی از دیدگاه متأخرین «امامی و



عادل بودن تمام روای حدیث» است؛ بنابراین از دیدگاه متقدمین، حدیث صحیح و معتبر حدیثی است که با قرائن داخلی یا خارجی؛ اعتماد به آن و اطمینان به صدورش از معصوم (ع) حاصل شود؛ ولی از دیدگاه متأخرین، حدیث و خبر صحیح خبر واحدی است که راویان آن در سلسله سند تا معصوم (ع)، همه امامی و همه ممدوح به تعدیل باشند.

۳. تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین، ایرادات متعددی دارد؛ با توجه اینکه این ایرادات به تقسیم‌بندی و تعریف متقدمین وارد نیستند، می‌توان آنها را ادله اثبات دیدگاه متقدمین و اعتبار اکثر احادیث نیز محسوب کرد:
اولاً، مبتنی بر اعتقاد عامه و مأخوذ از کتب آنان است؛
ثانیاً، رجال شناسان در بسیاری از موضوعات رجالی مانند جرح و تعدیل؛ که مبنا و منبع تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین است؛ اختلاف نظر دارند؛ بنابراین تقسیم‌بندی و تعریف متأخرین، مبنا و معیار مطمئن و حجت‌آوری ندارد؛
ثالثاً، کتب جرح و تعدیل بسیار محدود و ناقص هستند و افزون بر آن، اکثر کتب اصلی رجال برای جرح و تعدیل تدوین نشده، بلکه با اهداف مختلف دیگری تدوین شده‌اند؛

رابعاً، متأخرین در اعتماد به قدما درباره جرح و تعدیل و تصحیح اخبار، تناقض نظری و عملی دارند؛ زیرا مبنای متأخرین در جرح و تعدیل روای، اعتماد به نظر متقدمین است و به نظر آنان استناد می‌کنند؛ ولی عملاً نظر متقدمین را درباره صحت روایات کتب خودشان نمی‌پذیرند؛

خامساً، تعریف و اصطلاح جدید متأخرین موجب تضعیف بسیاری از احادیث معصومان علیهم‌السلام؛ یعنی تضعیف بزرگ‌ترین منبع دین می‌شود؛
سادساً، تقلید موارد خاصی دارد و اصطلاح متأخرین در تقسیم‌بندی و تعریف احادیث، یک مسئله اصولی است که تقلید در آن جایز نیست.

۴. حدیث عمر بن حنظله از دیدگاه متقدمین حدیثی صحیح، متواتر یا مثل متواتر است و از دیدگاه برخی از متأخرین و بسیاری از علمای بعد از آنان تا معاصرین،

مقترن به قرینه و معتبر است. در واقع بزرگان شیعه؛ اعم از متقدمین و متأخرین و علمای بعد از آنان تا معاصرین، حدیث عمر بن حنظله را قبول داشته و به آن عمل کرده و براساس آن فتوا و حکم داده‌اند.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (متوفای ۵۹۸ق)، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین (متوفای ۱۰۱۱ق)، ۱۳۶۲ش، منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، ج ۱، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۴. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین (متوفای ۱۰۱۱ق)، بی تا، معالم ائمه و ملاذ المجتهدين، ج ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۵. ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (متوفای ۴۴۷ق)، ۱۴۰۳ق، الکافی فی الفقه، ج ۱، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
۶. استرآبادی، محمدامین (متوفای ۱۰۳۳ق) - سید نور الدین موسوی عاملی (متوفای ۱۰۶۲ق)، ۱۴۲۶ق. الفوائد المدنية و بذيله الشواهد المکیة، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. استرآبادی، محمدجعفر (متوفای ۱۲۶۳ق)، ۱۳۸۸ش، لب اللباب فی علم الرجال، ج ۱، تهران: اسوه.
۸. آخوند خراسانی، محمداکظم (متوفای ۱۳۲۹ق)، ۱۴۰۹ق، کفایة الأصول، ج ۱، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
۹. بحرانی، یوسف (متوفای ۱۱۸۶ق)، ۱۴۰۵ق، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. بروجردی (طباطبای بروجردی)، حسین (متوفای ۱۳۸۰ق)، ۱۴۲۰ق، نهاية التقرير في مباحث الصلاة، قم: مركز فقه الأئمة الأطهار (عليهم السلام).
۱۱. تبریزی، میرزا جواد (وفات ۱۴۲۷ق)، ۱۳۸۷ش، دروس في مسائل علم الأصول، ج ۲، قم: دارالصدیقه الشهیده سلام الله علیها.
۱۲. ونی (فاضل تونی)، عبدالله (متوفای ۱۰۷۱ق)، ۱۴۱۵ق. الوافية في أصول الفقه، ج ۲، قم: مجمع الفكر الاسلامي.
۱۳. جناتی، محمد ابراهیم، ۱۳۷۴ش. ادوار فقه و کیفیت بیان آن. تهران: کیهان.
۱۴. حر عاملی، محمد (متوفای ۱۱۰۴ق)، ۱۴۰۹ق. وسائل الشیعة، ج ۱، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم (متوفای ۱۴۱۳ق)، ۱۴۱۷ق. الهدایة فی الأصول، ج ۱، قم: مؤسسه صاحب الامر (عج).
۱۶. ربانی، محمد حسن، ۱۳۸۵ش. سبک شناسی دانش رجال احدث. ج ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام.

١٧. رباني، محمدحسن (بهار ١٣٨٠). «اصطلاح شناسی در کتابهای فقهی». فصلنامه فقه، (شماره ٢٥).
١٨. سبحانی، جعفر، ١٣٨٧ش. الموجز في أصول الفقه. ج١٤، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
١٩. حانئ، جعفر، ١٤١٠ق. کلیات في علم الرجال. ج٢، قم: مركز مدیریت حوز علمیه قم.
٢٠. شهید اول، محمد (متوفای ٧٨٦ق)، ١٤١٩ق. ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة. ج١، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٢١. شهید ثانی، زین الدین (متوفای ٩٦٦ق)، ١٤٠٤ق. الدرایة. [بی جا]: المجمع العلمی الاسلامی.
٢٢. شهید ثانی، زین الدین (متوفای ٩٦٦ق)، ١٤٠٨ق. الرعايه فی علم الدرایه [شرح البدایه فی علم الدرایه]. قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
٢٣. شیخ بهائی (بهاء الدین عاملی)، محمدبن حسین (متوفای ١٠٣١ق)، ١٤١٤ق. مشرق الشمسین واکسیر السعادتین مع تعلیقات الخواجوئی. ج٢، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
٢٤. شیخ بهائی (بهاء الدین عاملی)، محمدبن حسین (متوفای ١٠٣١ق)، ١٣٩٠ق. الوجیزة فی علم الدرایة. ج١، قم: کتابفروشی بصیرتی.
٢٥. باطبايي يزدي، سيدمحمدکاظم (متوفای ١٣٣٧ق)، ١٤٠٩ق. العروة الوثقى. ج٢، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٢٦. طوسی، محمدبن حسن (متوفای ٤٦٠ق)، ١٤١٧ق. العُدّة فی أصول الفقه. ج١، قم: دتقی علاقبنديان.
٢٧. طوسی، محمدبن حسن (متوفای ٤٦٠ق)، ١٣٩٠ق. الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار. ج١، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
٢٨. عراقی، ضیاء الدین (متوفای ١٣٦١ق)، ١٣٨٨ش. الاجتهاد والتقليد. ج١، قم: بی نا.
٢٩. علامه حلی، حسن بن یوسف (متوفای ٧٢٦ق)، ١٤٠٤ق. مبادي الوصول إلى علم الأصول. ج١، قم: المطبعة الملیة.
٣٠. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (متوفای ١٠٩١ق)، ١٤٠٦ق. وافی. ج١، اصفهان: کتابخانه امام أميرالمؤمنین علی علیه السلام.
٣١. مامقانی، عبدالله (متوفای ١٣٥١ق). تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی). ج١، بی جا: بی نا.
٣٢. مجلسی اول، محمدتقی (متوفای ١٠٧٠ق)، ١٤٠٦ق. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. ج٢، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور.
٣٣. محقق حلی، جعفر بن حسن (متوفای ٦٧٦ق)، ١٤٠٧ق. المعتبر فی شرح المختصر. ج١، قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام.
٣٤. مشکینی اردبیلی، ابوالحسن (متوفای ١٣٥٨ق)، ١٤١١ق. وجیزة فی علم الرجال. ج١، بیروت: مؤسسة



الأعلمي للمطبوعات.

٣٥. مظفر، محمدرضا (متوفى ١٣٨٣ق)، ١٤٣٠ق. اصول الفقه. ج٥، قم: مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم.
٣٦. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى (زير نظر سيد محمود هاشمى شاهرودى (متوفى ١٤٤٠ق))، ١٣٨٢ق. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام. ج١، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه.
٣٧. ميرداماد، محمدباقر بن محمد (متوفى ١٠٤١ق)، ١٣١١ق. الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية. ج١، قم: دار الخلافة.
٣٨. نراقى، محمد مهدي (متوفى ١٢٠٩ق)، ١٣٨٤ش. تجريد الأصول. ج١، قم: سيد مرتضى.
٣٩. نوري، حسين بن محمد تقى (متوفى ١٣٢٠ق)، ١٤١٧ق. خاتمة المستدرک. ج١، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٤٠. وحيد بهبهانى، محمدباقر (متوفى ١٢٠٥ق)، ١٤١٥ق. الفوائد الحائرية. ج١، قم: مجمع الفكر الاسلامي.